یادداشت

نگاهی به تور آسیایی ترامپ و نظم جدید در آسیا-اقیانوسیه

بازگشت آمریکا یا بازتولید رقابت؟

محسن شریف‌خدائی
تحلیلگر روابط بین‌الملل

سفر آسیایی دونالد ترامپ در پاییز ۲۰۲۵، نقطه عطفی در بازتعریف نقش ایالات متحده در شرق آسیا محسوب می‌شود. این تور پنج‌روزه که با حضور در اجلاس آسه‌آن در مالزی آغاز شد و با دیدار با رهبران ژاپن، کره جنوبی و برنامه‌ریزی برای مذاکره با شی جین‌پینگ، رهبر چین، در اجلاس آپک ادامه یافت، حامل پیام‌هایی چندلایه برای متحدان، رقبای راهبردی و افکار عمومی جهانی بود. ترامپ در این سفر تلاش کرد با رویکردی جدید جایگاه واشنگتن را در معادلات منطقه‌ای بازسازی کند؛ تلاشی که برای موفقیت در داخل و انتخابات کنگره سال آینده از نظر او حیاتی است. در سال‌های اخیر، چین با تثبیت مازاد تجاری عظیم، سلطه بر زنجیره تأمین عناصر کمیاب خاکی و نیمه‌هادی‌ها و گسترش نفوذ اقتصادی در آسیا، آمریکا را در رقابت راهبردی منطقه‌ای به چالش کشیده است. پکن اکنون بیش از ۷۰ درصد استخراج و ۹۰ درصد فراوری مواد کمیاب جهان را در اختیار دارد؛ منابعی که برای تولید تجهیزات نظامی، خودروهای برقی، فناوری‌های پیشرفته و زیرساخت‌های دیجیتال حیاتی هستند. این سلطه، چین را به بازیگر بی‌بدیل در زنجیره تأمین جهانی تبدیل کرده و به آن اجازه داده است تا در برابر فشارهای خارجی از ابزارهای اقتصادی به‌عنوان اهرم ژئوپلیتیکی استفاده کند. ترامپ در اجلاس آسه‌آن موفق شد با رهبران چهار کشور جنوب شرق آسیا -کامبوج، مالزی، تایلند و ویتنام- توافقاتی در زمینه تجارت و مواد معدنی کمیاب امضا کند. این توافقات شامل کاهش تعرفه‌ها، افزایش فروش محصولات آمریکایی و همکاری در حوزه‌های معدنی و صنعتی بود. همچنین، توافق صلح میان تایلند و کامبوج با میانجیگری آمریکا، نقش واشنگتن را در حل‌وفصل بحران‌های منطقه‌ای به ظاهر برجسته کرد. عضویت رسمی تیمور شرقی در آسه‌آن نیز نشان‌دهنده گسترش بلوک منطقه‌ای و افزایش وزن ژئوپلیتیکی آن است. در ادامه سفر، ترامپ وارد ژاپن شد و با نخست‌وزیر جدید، سانائه تاکائیچی که داعیه پیروی از سیاست‌های خانم تاچر در ژاپن دارد و می‌خواهد «عصر طلایی جدیدی» از روابط ژاپن و آمریکا را آغاز کند، دیدار کرد. در این مذاکرات، توافق شد تعرفه‌های تهدیدآمیز آمریکا به ۱۵ درصد کاهش یابد، در ازای تعهد ژاپن به سرمایه‌گذاری ۵۵۰ میلیارد دلاری در صنایع آمریکایی. این سرمایه‌گذاری قرار است از طریق خرید سویا، گاز، وانت‌های آمریکایی و همکاری در کشتی‌سازی و مواد کانی کمیاب انجام شود. تاکائیچی همچنین خواهان نقش بیشتر ژاپن در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و اولویت‌دادن به شرکت‌های ژاپنی شد. افزایش بودجه دفاعی ژاپن نیز به‌عنوان نشانه‌ای از تعهد توکیو به مقابله بانفوذ چین در منطقه ارزیابی می‌شود. در سئول، ترامپ با رئیس‌جمهور کره‌جنوبی، لی جائه‌میونگ، دیدار کرد. محور گفت‌وگوها شامل امنیت شبه‌جزیره، صادرات فناوری و فشار واشنگتن برای انتخاب میان آمریکا و چین بود. تحلیلگران معتقدند کره‌جنوبی در حال ایفای نقش میانجی بین دو قدرت بزرگ است، اما موفقیت آن به نتیجه دیدار ترامپ-شی بستگی دارد. ترامپ در آستانه اجلاس آپک، ابراز امیدواری کرد با چین «به توافق خواهد رسید»، اما کارشناسان هشدار داده‌اند که بدون امتیازدهی متقابل، پیشرفت واقعی دشوار خواهد بود. پکن همچنان کنترل صادرات مواد معدنی کمیاب را حفظ کرده و آمریکا نیز تعرفه‌های گسترده را برنداشته است. در دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، ایالات متحده با نگرانی از سلطه فزاینده چین بر بازار جهانی مواد معدنی حیاتی تلاش کرده با کشورهایی مانند اوکراین، پاکستان، مالزی، تایلند و ژاپن، توافق‌نامه‌هایی امضا کند تا زنجیره تأمین جایگزین ایجاد کرده و وابستگی خود را کاهش دهد. ترامپ توافق‌هایی را با کشورهای مختلف در زمینه استخراج، فراوری و بازیافت مواد معدنی امضا کرده است؛ توافق‌هایی که اگرچه در برخی موارد هنوز به مرحله اجرا نرسیده‌اند، اما بخشی از راهبرد بلندمدت واشنگتن برای تقویت استقلال صنعتی و امنیت فناوری محسوب می‌شوند. بررسی ظرفیت واقعی این کشورها نشان می‌دهد تنها ژاپن دارای فناوری پیشرفته بازیافت عناصر کمیاب است و مالزی، تایلند و برخی دیگر هنوز فاقد زیرساخت‌های صنعتی گسترده در این حوزه هستند؛ بنابراین بسیاری از این توافق‌نامه‌ها بیشتر جنبه صوری و سیاسی دارند تا عملیاتی فوری و اجرای کامل آنها نیازمند سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و تعهد بلندمدت است. شواهد نشان می‌دهد چین آماده همکاری محدود، کنترل‌شده و هدفمند با آمریکاست؛ همکاری‌ای که به پکن اجازه می‌دهد اقتصاد خود را بدون تکانه‌های شدید همچنان پیش ببرد، درحالی‌که آن کشور همچنان استقلال راهبردی خود را حفظ می‌کند. این همکاری می‌تواند شامل توافقات در حوزه نیمه‌هادی‌ها، مواد کمیاب و تجارت کالاهای غیرحساس باشد. چین به‌خوبی می‌داند که در شرایط فعلی، حفظ ثبات اقتصادی و جلوگیری از تشدید تنش‌ها با واشنگتن، برای رشد پایدار و حفظ موقعیت جهانی‌اش ضروری است. در این میان، بسیاری از کشورهای منطقه به دنبال حفظ تعادل در مناسبات و معادلات قدرت هستند. آنها تلاش می‌کنند تا حدی که بتوانند همکاری‌های اقتصادی و امنیتی خود را بر پایه منافع ملی و حتی‌المقدور بدون پذیرش فشارهای سیاسی یا تهدیدهای خارجی تنظیم کنند. این رویکرد مستقل و عمل‌گرایانه، نشان‌دهنده بلوغ راهبردی بازیگران آسیایی در مواجهه با رقابت قدرت‌های بزرگ است. کشورهای عضو آسه‌آن، حتی ویتنام، به‌جای انتخابی تماما جانب‌گرایانه، در پی بهره‌برداری هوشمندانه از رقابت چین و آمریکا هستند تا امنیت، رشد اقتصادی و استقلال راهبردی خود را حفظ کنند. در جریان سفر آسیایی ترامپ، هم‌زمان با ورود او به سئول برای دیدار با رئیس‌جمهور آن کشور، کره‌شمالی چندین موشک بالستیک کوتاه‌برد را از جنوب پیونگ‌یانگ به سمت دریای ژاپن شلیک کرد. این نخستین آزمایش موشکی کره‌شمالی در چند ماه اخیر بود و به‌وضوح با هدف ارسال پیام سیاسی در آستانه اجلاس آپک و حضور ترامپ در شبه‌جزیره انجام شد. سئول اعلام کرد موشک‌ها حدود ۳۵۰ کیلومتر برد داشته و تهدید مستقیمی برای خاک کره‌جنوبی نداشتند، اما سطح هشدار امنیتی در آن کشور افزایش یافت. درحالی‌که آمریکا با تقویت حمایت‌های امنیتی و فناوری از تایوان، به‌ویژه در حوزه نیمه‌هادی‌ها و ارسال تسلیحات عملا در منطقه مداخله کرده و پکن را تحت فشار قرار می‌دهد، در واکنش، چین با حفظ سیاست «چین واحد» و برگزاری مانورهای نظامی در اطراف تایوان، تلاش دارد قدرت خود را به رخ بکشد و نشان دهد که حاکمیت بر این جزیره را غیرقابل مذاکره می‌داند. در جمع‌بندی، تور آسیایی ترامپ، بیش از یک سفر دیپلماتیک، تلاشی برای بازسازی جایگاه تضعیف‌شده آمریکا در برابر نفوذ فزاینده چین در منطقه ارزیابی می‌شود. با تمرکز بر مواد معدنی کمیاب، نیمه‌هادی‌ها و اتحادهای راهبردی، این سفر می‌تواند نقطه آغاز بازتعریف نظم منطقه‌ای جدید باشد؛ مشروط بر آنکه از شعار فراتر رود و به اقدامات پایدار و واقع‌گرایانه تبدیل شود. در نهایت، اگر واشنگتن می‌خواهد نقشی مؤثر و پایدار در نظم آینده در حوزه آسیا-اقیانوسیه ایفا کند، باید واقعیت رقابت را با نگاهی راهبردی، عمل‌گرایانه و به دور از تهدید، فشارهای یک‌جانبه و ابزارهای غیرسازنده در نظر گیرد. تنها در چارچوب تعامل مسئولانه، احترام متقابل و رقابت سازنده با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای می‌توان به شکل‌گیری نظمی متوازن، چندجانبه و باثبات در منطقه و نظام بین‌الملل امید بست.

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان، جایگاه ایران را در پیمان‌های امنیتی - نظامی منطقه واکاوی می‌کند

بازی سلاح و سیاست

موسی موحد: سه‌شنبه، ششم آبان ۱۴۰۴، علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، پس از دیدار با سیدمحسن‌رضا نقوی، وزیر کشور پاکستان، در تهران، در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس با اشاره به توافق راهبردی میان پاکستان و عربستان سعودی نوشت: «امروز جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری به این برادری نیاز دارد. برای حل مسائل منطقه دیگر به سخنرانی نیاز نداریم، بلکه به عمل و همکاری نیاز داریم و توافق پاکستان و عربستان از همین جنس است؛ از آن استقبال می‌کنیم».

توافق‌نامه دفاع متقابل راهبردی موسوم به SMDA میان عربستان سعودی و پاکستان در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ (۱۷ سپتامبر) پس از سه سال مذاکره به امضا رسید. این پیمان دفاعی که به ابتکار دو کشور مسلمان جنوب و غرب آسیا شکل گرفته، شامل همکاری‌های گسترده در حوزه‌های امنیتی، دفاعی و بازدارندگی مشترک است. براساس مفاد اعلام‌شده، هرگونه تجاوز به یکی از دو کشور به‌منزله تجاوز به هر دو تلقی خواهد شد؛ موضوعی که آن را به یکی از مهم‌ترین توافق‌های نظامی چند سال اخیر در جهان اسلام تبدیل کرده است. در اعلامیه مشترک ریاض و اسلام‌آباد آمده که هدف این توافق، تقویت توان دفاعی دو کشور، افزایش هماهنگی نظامی و توسعه همکاری‌های آموزشی و تسلیحاتی است تا دو طرف بتوانند در برابر تهدیدات مشترک منطقه‌ای بازدارندگی مؤثرتری ایجاد کنند. چند روز پیش از این، محمد شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، در جریان سفر رسمی خود به عربستان و دیدار با محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی، این پیمان را در ریاض امضا کرد. این توافق، به باور ناظران، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری یک نظام امنیت جمعی جدید در جهان اسلام باشد. در همین راستا، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران نیز در سخنرانی خود در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک از این پیمان استقبال کرد و آن را «آغازی برای شکل‌گیری نظام امنیت فراگیر منطقه‌ای» دانست که کشورهای مسلمان غرب آسیا می‌توانند در چارچوب آن همکاری سیاسی، دفاعی و امنیتی مشترک داشته باشند. پس از امضای پیمان و در ۲۷ شهریورماه بود که فیصل بن‌فرحان، وزیر خارجه عربستان سعودی، در تماس تلفنی با سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، او را در جریان جزئیات توافق جدید قرار داد؛ نشانه‌ای از تمایل ریاض برای شفاف‌سازی و تعامل با تهران درباره تحولات امنیتی اخیر در منطقه.

تنها قدرت اتمی جهان اسلام در برابر تنها قدرت اتمی خاورمیانه و معادلات تهران

تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه پس از حمله اسرائیل به ایران و وقوع جنگ ۱۲روزه، معادلات امنیتی را به‌شدت دگرگون کرده است. تجاوز نیروهای اسرائیلی به خاک قطر در ادامه همان بحران، برای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به‌منزله یک زنگ خطر جدی بود؛ هشداری مبنی بر اینکه دایره تهدیدات و تجاوزات احتمالی اسرائیل می‌تواند از ایران فراتر رود و امنیت دیگر کشورهای منطقه را نیز به خطر اندازد.

در چنین شرایطی، عربستان سعودی که به‌خوبی از شکنندگی نظم امنیتی خلیج فارس آگاه است، با امضای توافق دفاع متقابل راهبردی با پاکستان (SMDA) در ۲۵ شهریور، عملا کوشید یک سپر دفاعی مشترک در برابر تهدیدات اسرائیل ایجاد کند. نکته کلیدی در این پیمان، گنجاندن بندی مشابه ماده ۵ ناتو است؛ ماده‌ای که براساس آن، حمله به یک عضو، حمله به تمامی اعضا تلقی می‌شود. در نتیجه، هرگونه حمله احتمالی اسرائیل به عربستان، به معنای حمله به پاکستان نیز خواهد بود؛ کشوری که تنها قدرت هسته‌ای جهان اسلام محسوب می‌شود.

از این منظر، پیمان عربستان و پاکستان فراتر از یک همکاری نظامی دوجانبه است و می‌تواند یک معادله بازدارنده جدید در خاورمیانه شکل دهد؛ معادله‌ای که در آن، تنها قدرت هسته‌ای مسلمان در برابر تنها قدرت اتمی خاورمیانه یعنی اسرائیل قرار می‌گیرد. در نتیجه، هرگونه ماجراجویی نظامی از سوی تل‌آویو با محاسبات تازه و هزینه‌های سنگین‌تری مواجه خواهد شد. کمااینکه در همین راستا وزیر دفاع پاکستان، محمد آصف، ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۵ به صراحت اعلام کرد «در صورت نیاز، برنامه هسته‌ای این کشور در اختیار عربستان سعودی قرار خواهد گرفت»؛ موضوعی که نخستین تأیید صریح از سوی اسلام‌آباد مبنی بر قراردادن ریاض زیر چتر هسته‌ای پاکستان به شمار می‌رود. این تحول، اگرچه مستقیما میان دو کشور عربستان و پاکستان رخ داده است، اما به‌طور غیرمستقیم در راستای منافع امنیتی ایران نیز قرار دارد. ایجاد لایه‌ای از بازدارندگی منطقه‌ای در برابر اسرائیل، دامنه تهدیدات علیه تهران را نیز محدودتر می‌کند. از همین رو، موضع‌گیری مثبت علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، پس از ۷۲ روز از امضای توافق و در پی دیدار با وزیر کشور پاکستان، در کنار استقبال مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور و سیدعباس عراقچی وزیر خارجه از این پیمان، نشان‌دهنده درک راهبردی تهران از فرصت‌های پنهان این توافق است. به نظر می‌رسد ایران ضمن مراقبت از موازنه قوا در منطقه، از هر سازوکاری که به کاهش قدرت تهاجمی اسرائیل بینجامد، استقبال خواهد کرد.

تأثیر پیمان دفاعی عربستان و پاکستان بر هم‌گرایی تهران، ریاض و اسلام‌آباد

در تحلیل نکات یادشده، اوایل مهرماه امسال ژنرال انعام‌الحق، مفسر برجسته مسائل دفاعی در پاکستان، طی یادداشتی در روزنامه اکسپرس تریبیون با عنوان «توضیحات ضروری درباره پیمان دفاعی پاکستان و عربستان»، پیمان راهبردی اخیر میان دو کشور را پاسخی هوشمندانه به تحولات پرتنش خاورمیانه دانست و تاکید کرد: «این توافق می‌تواند به تشریک مساعی تهران، ریاض و اسلام‌آباد در برابر تهدیدات مشترک، به‌ویژه اسرائیل، منجر شود». او نوشت: «رژیم اسرائیل در سال‌های اخیر همواره در تلاش بوده تا عربستان را به پیمان ابراهیم و روند عادی‌سازی روابط بکشاند؛ اما رفتار تهاجمی تل‌آویو در منطقه و انحراف از راه‌حل دودولتی برای فلسطین، این تلاش‌ها را ناکام گذاشت. در نتیجه، عربستان به‌جای حرکت در مسیر سازش با اسرائیل، به سمت توافق دفاعی متقابل با پاکستان رفت؛ توافقی که ریشه در دهه‌ها همکاری نظامی، آموزشی و صنعتی میان دو کشور دارد».

انعام‌الحق در ادامه با اشاره به اجلاس اضطراری سران کشورهای اسلامی در دوحه پس از تجاوز اسرائیل به قطر چنین تحلیل کرد: «تجاوزگری اسرائیل، جهان اسلام را وارد مرحله‌ای تازه کرده است که در آن، درک واقعی از تهدید اسرائیل باید جدی گرفته شود». او تاکید کرد: «در چنین شرایطی، کشورهای مسلمان ناگزیر از هم‌افزایی امنیتی و نظامی هستند تا در برابر تهدیدات مشترک، پاسخ هماهنگ‌تری ارائه دهند». از نگاه این مقام سابق نظامی، «توافق دفاعی عربستان و پاکستان می‌تواند ترمز سرکشی اسرائیل در منطقه را بکشد و موجب بازدارندگی واقعی در برابر تجاوزات احتمالی شود».

وی با اشاره به مواضع تهران افزود: «جمهوری اسلامی ایران خود قربانی تجاوزات اسرائیل بوده و هم‌زمان شاهد رفتار دوگانه برخی کشورهای منطقه است. با این حال، تهران همچنان بر ضرورت وحدت اسلامی برای مقابله با تهدیدات اسرائیل تأکید دارد». انعام‌الحق این پیمان را صرفا «دفاعی و غیرتهاجمی» توصیف و تأکید کرد: «هیچ خطری از جانب آن متوجه کشورهای ثالث ازجمله ایالات متحده نیست و ناتو نیز نباید از چنین ترتیباتی انتقاد کند؛ چراکه این توافق، در چارچوب مشروع همکاری‌های منطقه‌ای انجام شده است».

او همچنین خاطرنشان کرد که «صف‌بندی ژئواستراتژیک جدید خاورمیانه پس از رفتار خصمانه اسرائیل، به‌سرعت در حال شکل‌گیری است و همین تغییر موازنه می‌تواند فرصت‌هایی تازه برای هم‌گرایی تهران، ریاض و اسلام‌آباد فراهم کند». به گفته وی، ایران ارزش بالایی برای تقویت روابط میان پاکستان و عربستان قائل است و این همکاری می‌تواند به افزایش همسویی میان سه قدرت مهم جهان اسلام بینجامد.

سیدجلال ساداتیان: توافق عربستان و پاکستان می‌تواند تهدیدی برای ایران هم تلقی شود

درحالی‌که تحلیل‌های اولیه از توافق راهبردی دفاعی میان پاکستان و عربستان سعودی آن را گامی در جهت ایجاد بازدارندگی در برابر اسرائیل و حتی تقویت هم‌گرایی میان کشورهای مسلمان منطقه می‌دانند، اما سیدجلال ساداتیان در گفت‌وگو با «شرق» بر این باور است که «این توافق ابعاد پیچیده‌تری دارد و نمی‌توان صرفا آن را به‌عنوان یک پیمان ضداسرائیلی تفسیر کرد». دیپلمات پیشین کشورمان می‌گوید «اگرچه گنجاندن بندی مشابه ماده ۵ ناتو در این توافق‌نامه به ظاهر به معنای تضمین امنیت متقابل و مقابله با تجاوزات احتمالی اسرائیل است و می‌تواند پای پاکستان، تنها قدرت اتمی جهان اسلام را به معادلات امنیتی خاورمیانه باز کند، اما همین بند می‌تواند در شرایط خاص، ایران را نیز در دایره تهدید قرار دهد».

تحلیلگر سیاست خارجی، با اشاره به تحولات اخیر منطقه و جنگ ۱۲روزه میان ایران و اسرائیل یادآور می‌شود: «پس از حمله آمریکایی‌ها به تأسیسات اتمی ایران، تهران در اقدامی متقابل پایگاه آمریکایی العُدید در قطر را هدف قرار داد». به گفته او، «این رخداد نشان داد که هرگونه درگیری نظامی در خاورمیانه به‌سرعت ماهیتی چندلایه پیدا می‌کند و کشورهای ثالث را نیز درگیر می‌کند. از همین رو، اگر در آینده احتمال حمله مجدد آمریکا یا اسرائیل به ایران وجود داشته باشد و عربستان بنا بر الزامات توافق دفاعی جدیدش با پاکستان ناچار به مشارکت یا حمایت اطلاعاتی و لجستیکی از این حملات شود، در آن صورت ممکن است پاکستان نیز به استناد همان ماده مشابه ماده ۵ ناتو، ناخواسته در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد».

این مدرس دانشگاه تأکید می‌کند: «ایران براساس دکترین رسمی خود، هر کشوری را که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم با اسرائیل یا آمریکا در تجاوز علیه ایران همکاری کند، «هدف مشروع دفاعی» تلقی می‌کند. بنابراین، اگر چنین سناریویی رخ دهد، اجرای عملی بند دفاع جمعی میان عربستان و پاکستان می‌تواند دو کشور مسلمان را در موضعی تنش‌آلود در برابر تهران قرار دهد».

با چنین برداشتی، ساداتیان هشدار می‌دهد که «برای پرهیز از چنین وضعیتی، باید تحلیل عمیق‌تر و چندوجهی‌تری از توافق اخیر عربستان و پاکستان ارائه داد؛ تحلیلی که صرفا بر منافع ظاهری بازدارندگی علیه اسرائیل تمرکز نکند و پیامدهای احتمالی آن برای موازنه امنیتی منطقه را نیز در نظر بگیرد». به زعم او، «اگرچه هدف اعلامی توافق، همکاری دفاعی در برابر تهدیدات خارجی است، اما در واقعیت می‌تواند به تغییر آرایش قدرت در خاورمیانه و ایجاد ابهامات تازه در روابط تهران با دو شریک سنتی خود، یعنی اسلام‌آباد و ریاض منجر شود».

سفیر اسبق ایران در انگلستان در پایان گفت‌وگو با «شرق» هشدار می‌دهد که «روند تازه در منطقه ممکن است محدود به عربستان و پاکستان نماند»؛ چون به گفته او، «گزارش‌هایی وجود دارد که امارات متحده عربی و بحرین نیز در حال بررسی امضای توافق‌های مشابه دفاعی با پاکستان هستند». لذا از منظر این استاد دانشگاه، «چنین روندی اگر شکل گیرد، به معنای ورود اسلام‌آباد به قلب موازنه امنیتی خلیج فارس خواهد بود و در نتیجه، معادلات امنیتی نه‌تنها برای ایران بلکه حتی برای اسرائیل نیز پیچیده‌تر می‌شود». ساداتیان تأکید می‌کند: «این هم‌پیمانی‌های جدید، منطقه را به سمت شبکه‌ای از اتحادهای چندلایه و پیش‌بینی‌ناپذیر سوق می‌دهد که مدیریت آن دشوار خواهد بود».

فرشید باقریان: تهران با دقت و هوشمندی تحولات را دنبال می‌کند

فرشید باقریان به‌عنوان دیگر تحلیلگر ارشد مسائل منطقه‌ای، در گفت‌وگو با «شرق» با رد برداشت‌های ساداتیان درباره پیامدهای توافق دفاعی عربستان و پاکستان، تأکید می‌کند: «برخلاف تصور رایج، این پیمان نه‌تنها تهدیدی برای ایران محسوب نمی‌شود، بلکه می‌تواند به ثبات بیشتر در خلیج فارس کمک کند». او در ابتدای سخنانش با اشاره به جنگ ۱۲روزه میان ایران و اسرائیل و حمله متقابل تهران پس از بمباران تأسیسات هسته‌ای کشور توسط آمریکا، تأکید دارد که «واکنش ایران به پایگاه العدید در قطر با اطلاع و هماهنگی کامل دوحه انجام شد، اما حمله اسرائیل به دوحه حمله به مناطق غیرنظامی بود. لذا نوع حمله ایران و اسرائیل به قطر کاملا متفاوت و متضاد از هم است».

به گفته تحلیلگر حوزه بین‌الملل، «سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران هرگز مبتنی بر هدف قراردادن خاک کشورهای همسایه نبوده و نیست و حتی در صورت بروز تجاوز مجدد از سوی اسرائیل یا آمریکا، پاسخ ایران صرفا متوجه پایگاه‌های نظامی مهاجم آمریکا و اسرائیل خواهد بود، نه کشورهای عربی منطقه». باقریان تأکید می‌کند: «این رویکرد سبب می‌شود توافق دفاعی میان عربستان و پاکستان، حتی اگر دامنه آن به کشورهای دیگری همچون امارات و بحرین گسترش یابد، ذیل ماده پنجم ناتو هیچ‌گاه به معنای تقابل با ایران تفسیر نشود».

وی با اشاره به ساختار تصمیم‌گیری در پاکستان افزود: «این توافق در شرایطی شکل گرفت که ارتش عملا جایگزین نهادهای مدنی در تصمیم‌سازی امنیت ملی شده و بدون نیاز به تأیید پارلمان توانسته مسیر همکاری دفاعی با ریاض را هموار کند. در سال ۲۰۱۵، پارلمان پاکستان با اعزام نیرو به جنگ یمن مخالفت کرده بود، اما امروز شاهدیم که ارتش با استفاده از استقلال خود، این توافق را اجرائی کرده است». به گفته باقریان، «در سطح منطقه‌ای نیز ریاض به دنبال ایجاد تنوع در روابط امنیتی خود است تا وابستگی کامل به واشنگتن را کاهش دهد و از این توافق به‌عنوان اهرمی برای چانه‌زنی بیشتر در مذاکرات امنیتی آینده با آمریکا استفاده کند». او خاطرنشان می‌کند که «عربستان از یک سو با چین همکاری نظامی دارد و از سوی دیگر به دنبال تعمیق روابط با پاکستان است. در این میان، اسلام‌آباد می‌تواند به کانالی میان ریاض و پکن تبدیل شود، بدون آنکه این محور در تضاد با منافع تهران باشد».

این کارشناس مسائل راهبردی در پایان می‌گوید: «تهران با دقت و هوشمندی تحولات را دنبال می‌کند. از نگاه ایران، هرگونه پیمان دفاعی میان کشورهای مسلمان اگر براساس اصول دفاع جمعی و نه تهاجم شکل گیرد، در راستای امنیت منطقه‌ای است. بنابراین، برخلاف تحلیل‌های بدبینانه، توافق دفاعی عربستان و پاکستان را باید در چارچوب بازتعریف توازن قوا و نه مقدمه‌ای برای منازعه با ایران ارزیابی کرد».

گزارش

اعضای کابینه در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت تشریح کردند

در مسیر ترمیم و اصلاح

شرق: در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت، مجموعه‌ای از وزرا و مقامات دولتی به تشریح آخرین وضعیت حوزه‌های سلامت، اقتصاد، ارتباطات، کشاورزی و نظام اداری پرداختند. از تأثیر تحریم‌ها بر دارو و بهبود نسبی تأمین ارز گرفته تا اصلاح نظام بانکی، ساماندهی پرستاران و تسهیل دسترسی مردم به فیبر نوری، محورهای اصلی اظهارات آنان بود. همچنین سخنگوی دولت بر لزوم رفع فیلترینگ و حفظ یکپارچگی اجتماعی تأکید کرد.

تحریم‌ها در حوزه دارو اثر دارد

محمدرضا ظفرقندی در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت در جمع خبرنگاران اظهار کرد: در بیماری‌های خاص کاری که انجام می‌دهیم، این است که کمیسیون بررسی دارو مرتب تشکیل می‌شود تا داروهایی که نیاز است، تصویب شود و در فهرست دارویی ما قرار گیرد که آنها را تأمین می‌کنیم. او یادآور شد: از لحاظ تأمین ارز و تأمین هزینه‌ها، چه در داروهای تولید داخل و چه واردات، فعلا وضع ما از گذشته بهتر است. وزیر بهداشت افزود: قطعا تحریم‌ها اثر می‌گذارد و مخصوصا در مبادلات ارزی ما مشکلاتی ایجاد می‌کند، اما الان در مجموع شرایط ما از یک سال قبل بهتر است. ظفرقندی با بیان اینکه اضافه‌کار پرستاران ۲،۵ برابر شده است، تأکید کرد: تعرفه پرستاری در سالی که گذشت حدود ۴۰ درصد افزایش پیدا کرد. دنبال این هستیم که در بیمارستان‌ها «زیست پرستار» یا محل‌های پانسیون برای پرستاران درست کنیم. او افزود: برای کارهای دیگری ازجمله مجوز مراقبت منزل (Home care) در همین سالی که گذشت، ۳۰۰ مجوز صادر شد. سال گذشته ۲۷ هزار استخدام در وزارت بهداشت داشتیم که حدود ۵۰ درصد آن پرستاران بوده‌اند. وزیر بهداشت با تأکید بر اینکه در زمینه رضایت‌مندی پرستاران رو به جلو حرکت می‌کنیم، گفت: معوقات پرستاری در زمان تشکیل دولت چهاردهم به‌طور متوسط ۱۲ ماه عقب بوده که الان به شش ماه رسیده است. ظفرقندی در پاسخ به پرسشی درباره تغییر تعرفه‌های پزشکی اظهار کرد: تغییر تعرفه‌های پزشکی قطعا انجام می‌شود اما باید شورای عالی بیمه و سازمان برنامه تصویب کنند تا به دولت بیاید و تصویب شود. او همچنین اعلام کرد: براساس هماهنگی با وزیر ارتباطات، تفاهم‌نامه‌ای برای انتقال پلتفرم‌های حمل دارویی با رعایت شرایط لازم به امضا رسید. این اقدام برای داروها تحت شرایط ویژه و با در نظر گرفتن ملاحظات خاصی از قبیل نبود نیاز به حمل سرد، نبود نگرانی از خراب‌شدن و احراز صلاحیت پلتفرم‌ها عملیاتی می‌شود.

اصلاح نظام بانکی در اولویت

علی مدنی‌زاده در جمع خبرنگاران اظهار کرد: اصلاح نظام بانکی با افزایش سرمایه بانک ملی و موضوع بانک آینده شروع شد و در دستور کار قرار گرفته تا سایر بانک‌ها هم بررسی شوند. او افزود: بانک‌های ناتراز در اولویت هستند تا به نوعی برنامه اصلاحی برسند. بانک‌هایی که این برنامه را اجرا می‌کنند، بانک‌های سالم خواهند شد و بانک‌هایی که این برنامه را اجرا نکنند، احتمالا همان وضعیت نور، کاسپین و آینده برایشان رخ می‌دهد. وزیر اقتصاد در پاسخ به پرسشی درباره تک‌نرخی‌شدن ارز اظهار کرد: سیاست ارزی براساس قانون از وظایف بانک مرکزی است. در مجموعه تیم اقتصادی دولت در بالادست نیز این موضوع بحث و بررسی می‌شود که هر زمان جمع‌بندی شد، رئیس کل بانک مرکزی اعلام می‌کند. ستار هاشمی در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت در جمع خبرنگاران اظهار کرد: مطابق مصوبه کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات رادیویی، مشوق‌هایی برای اتصال مشترکان و مردم به زیرساخت و زمینه فیبر نوری در نظر گرفتیم. در این فرایند مردم عملا نباید هزینه جدیدی پرداخت کنند، اما در شرایطی ممکن است خدمات ویژه‌ای طلب کنند که در این صورت هزینه خدمات جدید و ارزش افزوده بر خدمات عادی را متناسب با تعرفه‌های اعلامی پرداخت می‌کنند. او یادآور شد: اما اگر مردم که از زیرساخت ارتباطی و خط ثابت استفاده می‌کنند، برای برخورداری از فیبر نوری اقدام کنند، نباید هزینه جدیدی بر آنان تحمیل شود و این موضوع از نظر قانونی قابل پیگیری است.

ادامه در صفحه ۳